

حبل‌المتین روزنامه جنبش مشروطه در هند

۳ اردیبهشت ۱۳۹۴ ساعت ۱۷:۴۲

روز ۹ اردیبهشت ۱۳۳۸۶ روزنامه حبل‌المتین به مدیریت سیدحسن کاشانی در تهران منتشر شد. این روزنامه قبلاً در کلکته به مدیریت مؤیدالاسلام از مریدان سیدجمال‌الدین اسدآبادی انتشار می‌یافت.

روز ۹ اردیبهشت ۱۳۳۸۶ روزنامه حبل‌المتین به مدیریت سیدحسن کاشانی در تهران منتشر شد. این روزنامه قبلاً در کلکته به مدیریت مؤیدالاسلام از مریدان سیدجمال‌الدین اسدآبادی انتشار می‌یافت.

روزنامه حبل‌المتین از روزنامه‌های بسیار تاثیرگذار بر مردم ایران است که توانست نامی ماندگار از خود در تاریخ معاصر ایران بر جای بگذارد. این روزنامه توسط سید جلال‌الدین حسینی در کلکته منتشر می‌شد. از دیدگاه بسیاری این روزنامه تاثیر بسزایی در وقوع جنبش مشروطه ایران داشت. در این مقاله بر آن شدیم تا به نقد و ارزیابی عملکرد این روزنامه بپردازیم و دلایل شهرت آن را مورد بررسی قرار دهیم.

حبل‌المتین؛ روزنامه‌ای از کلکته هندوستان

روزنامه حبل‌المتین به مدیریت سید جلال‌الدین حسینی که بعدها لقب مؤیدالاسلام را از سوی مظفرالدین شاه گرفت، قریب سی و نه سال و چهار ماه در شهر کلکته هند منتشر شد. (۱) انتشار این روزنامه حاصل دیداری بود که میان مدیر آن روزنامه و سید جمال‌الدین اسدآبادی در بندرعباس پیش آمد و در آن اندیشه تنویر افکار آزادی‌خواهانه در ایران مطرح شد. سپس با مکاتباتی که میان سیدجمال در انگلستان، میرزا ملکم خان سفیر ایران در لندن و مؤیدالاسلام در کلکته روی داد، این سه نفر معتقد شدند که ایرانیان احتیاج شدید به انقلاب فکری دارند و جراید بهترین وسیله برای رسیدن به این هدف می‌باشند. اینگونه بود که اولین شماره این نشریه وزین در دهم جمادی الثانی ۱۳۱۱ منتشر شد (۲) این روزنامه از دوران تاریک استبداد ناصری شروع به انتشار نمود و تا سالهای نخستین حکومت رضاشاه پهلوی به انتشار خود ادامه داد. البته در این مدت ۴۳ بار به طور سراسری و یا ناقص توقیف شد. همچنین چندین بار حکم تبعید مدیران از سوی حکومت هند صادر شد. طولانی‌ترین دوره توقیف این روزنامه هشت سال بود که توسط حکومت هند صادر شد.

حبل‌المتین و مؤیدالاسلام اگرچه مورد التفات مظفرالدین شاه بودند و همین شاه بود که لقب مؤیدالاسلام را به او داد و او با این

لقب شهره شد، لیکن، بارها و بارها مورد نظر سوء دربار ایران قرار گرفت. به طوری که تنها یک بار، به دستور امین السلطان به مدت ۴ سال از ورود به ایران منع شد. به طور کلی رابطه حبل المتین و امین السلطان بسیار بد بود. آنگونه که «بعد از توقیف جراید فارسی منتشر خارج توسط امین السلطان به سال ۱۳۱۸ (۱۹۰۱) و مساعی مبذوله توسط حبل المتین در راه انفصال مشارالیه» تکفیر نامه وی از سوی علمای نجف به وسیله این روزنامه منتشر شد (۳)

یکی از گلایه‌هایی که خوانندگان حبل المتین عموماً و به طور دائم از این روزنامه داشتند، این بود که روزنامه دیر به دست آنان می‌رسید. دلیل این مسئله نیز دو چیز بود. یکی اینکه روزنامه با کشتی به ایران ارسال می‌شد و دوم اینکه حکومت ایران در بسیاری از مواقع اجازه ورود آن به ایران را نمی‌داد و بر همین اساس روزنامه را در کیسه‌های آرد، صندوق چای و ادویه جات به ایران می‌آوردند (۴)

شکل و محتوای روزنامه حبل المتین

روزنامه حبل المتین در ۲۴ صفحه به طور هفتگی منتشر می‌شد. این روزنامه در نه سال اول انتشار از کاغذ مرغوب استفاده می‌کرد. لیکن بعدها به دلیل مشکلات مالی به استفاده از کاغذ معمولی روی آورد. یک از دلایلی که باعث گسترش و رواج روزنامه شد این بود که «حاج زین العابدین پول بسیاری فرستاد که روزنامه به علمای نجف و دیگر جاها بی پول فرستاده شود. از اینجا پیوستگی میان روزنامه و علما پدید آمد» (۵)

در اینجا شماره ۴۵ روزنامه در سال چهاردهم را برای تشریح شکل و محتوای نشریه برگزیده ایم:

در بالای صفحه شماره نشریه، سال انتشار و شماره صفحه چاپ شده است. در وسط بالای صفحه کلمه حبل المتین به چشم می‌خورد. بالای عنوان نیز عبارت «نامه مقدسه» نوشته شده است. در قسمت چپ عنوان قیمت اشتراک در هند، برمه، ایران، افغانستان، عثمانی، مصر، اروپا، چین، روسیه و ترکستان درج شده است. در سمت راست عنوان نگاشته شده: «حبل المتین کلکته»... «کلیه امور اداره با مدیر کل موید الاسلام است». «پهر دوشنبه طبع و سه شنبه توزیع می‌شود» و در زیر آن تاریخ انتشار به هجری قمری و میلادی نوشته شده است. در همین شماره عناوین مطالب روزنامه از این قرار است:

قانون اساسی و شورای ملی ایران/ لشکر (درباره لشکرهای کشورهای مختلف و مدت خدمت)/ بوشهر/ اعلان/ مکتوب از سلماس و یا اظهار حقیقت (از شماره گذشته)/ مکتوب از واشنگتن/ به نام نامی مشروطیت/ (از ماست که بر ماست: یکی از اعضای گمرک خلیج می‌نویسد/ به نقل از روزنامه شریفه انجمن مقدس ملی اصفهان/ آنچه می‌بینیم به بیداریست یا خواب/ تلگراف موید الاسلام گاهی سرمقاله‌های پنج شش صفحه‌ای در روزنامه خود منتشر می‌کرد. روزنامه حبل المتین به تدریج که دچار تنگناهای مالی شد، بسیار تلاش می‌نمود تا به جذب آگهی و اعلان روی آورد (۶)

«عده خوانندگان حبل المتین متجاوز از صد هزار ... می باشد. ...موزون ترین و مفیدترین وسیله برای اعلان دهندگان صفحات حبل المتین است... اعلان به هر زبان که باشد... اشاعه تواند یافت» (۷)

اهمیت روزنامه حبل المتین در تاریخ معاصر ایران

حبل المتین را به واقع می توان بزرگترین روزنامه برون مرزی فارسی زبانان در خارج از مرز های ایران لقب داد. مقالات موید الاسلام همواره مبتنی بر رویکردی وطن دوستانه بود. او تلاش می نمود تا دردهای وطن را بازگو کند و راه درمانی نیز مطرح نماید. او و روزنامه اش نقش زیادی در آگاهی و بیداری جامعه ایران دوره قاجار ایفا نمودند. (۸) از همین رو یکی از علل ایجاد انقلاب مشروطه در ایران را فریادهای چهارده ساله حبل المتین ذکر کرده اند. (۹) روزنامه حبل المتین «در سال های آخر حکومت سانسور و اختناق ناصری نیز توانست راه به درون میهن باز کند و به تبلیغ و توجیه «حاکمیت مردم» پردازد و جیره خوران سلطنت مطلقه را به دفاع وادارد...» (۱۰)

حبل المتین از سال ۱۳۱۴ تا زمان فرمان مشروطیت نقش به سزایی در انعکاس رویدادها و بخصوص تنویر افکار و اندیشه ها داشت. تیراژ روزنامه ابتدا با ۵۰۰ نسخه و سپس سه هزار نسخه آغاز شد و در مرحله بعد به هفت هزار و پانصد و دوازده هزار رسید و در دوران مشروطه به رقم بالای سی و پنج هزار نسخه نیز رسید (۱۱) علت استقبال شایان از روزنامه را در چند چیز می توان دانست. یکی اینکه این روزنامه از جامعیت خبری برخوردار بود. زیرا با در اختیار داشتن خبرنگار اختصاصی در ایران، هند، مصر، روسیه، عثمانی و عراق مجموعه رویدادهای منطقه و جهان را به زبان ساده و روان در اختیار خوانندگان زیر سانسور ایران قرار می داد. رنگ مذهبی و مطالب بیرون از قشری آن از دیگر دلایل موفقیت حبل المتین است. پخش رایگان آن در میان مردم به مدت ده سال متوالی در دورانی که روزنامه ها بسیار گران بودند را می توان از دلایل گرایش و توجه به حبل المتین دانست. (۱۲)

در بیشتر مطالب حبل المتین مسائل اجتماعی به سطح کلان و ساختار سیاسی پیوند خورده است. از نظر دست اندرکاران نشریه مهمترین مشکل جامعه ایرانی ضعف ساختار سیاسی و وجود اسنبداد بود. بنابراین از نظر آنان با اصلاح ساختار سیاسی و حاکم شدن مشروطه و قوانین مدون اکثر معضلات اجتماعی نیز حل خواهد شد. (۱۳)

حبل المتین به استثنای سخن گفتن از مشکلات جامعه ایرانی به مبازه فکری با استعمار نیز می پرداخت. شاید بتوان همین مسئله را از جمله دلایلی دانست که باعث می شد تا این روزنامه بارها و باها از سوی حکومت استعماری هند توقیف شود. به طوری که همانطور که گفته شد، در یکی از این توقیف ها، روزنامه هشت سال منتشر نشد.

موید الاسلام مردی مبارز بود و همه عمر خود را صرف اصلاح ایران نمود. اما بزرگترین اشتباه در کارنامه مطبوعاتی وی را دفاع از رضاشاه می توان دانست. این روزنامه که تا سال ۱۳۰۹ منتشر می شد، در چند سال ابتدایی حکومت رضا شاه به صورت یک

سویه از اقدامات رضاشاه دفاع می کرد. (۱۴) حمایت از متحدالشکل کردن لباس مردم ایران، تایید اقدامات سرکوبگرانه رضاشاه به بهانه تلاش در جهت رفع فساد و ظلم، گذشتن از تخلفات گسترده در انتخابات مجلس شورای ملی، بی گناه جلوه دادن رضاشاه در فسادهای اداری از جمله حمایت های یک سویه حبل المتین از رضاشاه در این دوره است. به همین دلیل بودن که تیراژ نشریه در این ایام به دو هزار نسخه نزول یافت. برخی نابینایی موید الاسلام در این دوره را دلیل عدم کنترل وی بر نشریه می دانند. زیرا در سال های پایانی انتشار حبل المتین، روزنامه توسط دختر وی (به عنوان دبیر ثانی) مدیریت می شد. از یک دیدگاه نیز برخی بر این اعتقادند که موید الاسلام به غلط تصور می کرد که رضا شاه خواهد توانست کشور را از عقب ماندگی نجات دهد. (۱۵)

سرانجام روزنامه حبل المتین

موید السلام تمام عمر و زندگی خود را به پای فرهنگ ایران گذاشت. او نشریات بسیاری منتشر می کرد که مشهورترین آنها حبل المتین بود. هر چه به پایان عمر او و حبل المتین نزدیک می شویم، مشکلات مالی روزنامه نیز بیشتر نمایان می شود. او حامیان مالی خود را از دست داده بود. موید الاسلام در سال های پایانی عمر نابینا شد و اگرچه همچنان بر حبل المتین نظارت داشت، اما عملاً انتشار آن را به دختر خود، فخر السلطان که فس امضا می نمود، سپرده بود. او در سالهای پایانی انتشار حبل المتین طی نامه ای به مجلس شورای ملی تقاضای بازگشت به ایران و کمک مالی نمود. پس از چهار سال از این درخواست بود که او به ایران آمد، اما در شرایطی که دیگر در قید حیات نبود. موید الاسلام «در ۱۹ آذر ماه ۱۳۰۹ خ در کلکته در دفتر کار خود دچار حمله قلبی شد و چند روز پس از آن وفات یافت. جسد موید الاسلام آنگونه که خود خواسته بود یک سال بعد با مساعدت دولت، توسط دخترش فرخ سلطان به ایران انتقال یافت تا در خاکی که سال ها برای آزادی و اعتلایش فریادها سر داده بود، بیارامد» (۱۶) . مرگ سیدجلال الدین حسینی پایانی بر حبل المتین بود.

منابع:

۱- محمود گلبن، سید حسن کاشانی و روزنامه حبل المتین و محاکمه او، پیک نور، ضمیمه زمستان ۱۳۸۴، ص ۷۳

۲- محمد صدر هاشمیتاریخ مجلات و جراید ایران جلد دوم، تهران، انتشارات کمال، ص ۲۰۰

۳- ادوارد برون، تاریخ مطبوعات و ادبیات ایران در دوره مشروطیت، کانون معرفت، بی تا، ص ۳۳۵-۳۳۴

۴- محمود گلبن، همان، ص ۷۴

۵- صدر هاشمیهمان، ص ۲۰۱

